

# فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَهُ

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!

او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چی (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

جنوری 2023

جمادی الثانی / رجب

شماره سه صد و چهارم

فتواهایی شانرا اعتبار دادند و از آن در تحقیقات و  
ابحاث خود استفاده کردند .

## مذاهب اسلامی که ادامه نیافت

مذاهب سنی که ادامه نیافتند بسیار زیاد بود. امام  
السیوطی (ت 911 هجری / 1506 م) در کتاب خود  
بنام (الحاوی للفتاوی) می نویسد که مذاهب ملت  
شریف منحصر به چهار نیست. و در حدود ده مذهب  
بود که کتاب های شان تدوین شده بود و مشهور  
ترین آنها مذهب سفیان الثوری (ت 161 هجری /  
778 م) ، مذهب الأوزاعی (ت 157 هجری / 774 م)  
، مذهب اللیث بن سعد (ت 175 هجری / 792 م) ،  
مذهب اسحاق بن راهویه (محدث ت 238 هجری /  
792 م) ، مذهب ابن جریر (الطبری ت 310 هجری /  
932 م) و مذهب داود (الأصفهانی ت 272 هجری /  
886 م) . هر مذهب از این مذاهب پیروان خود را  
داشت و اما بعد از 500 سال در نتیجه در گذشت  
علماء و عدم توجه دیگران فراموش شدند.

با استفاده از نوشته السیوطی از شش مذهب که  
باقی نمانده و باساس ترتیب تاریخی و موقعیت  
جغرافیوی بصورت بسیار مختصر بحث را آغاز می  
کنیم.

در ساحة مسلمانان سنی مذهب ، فقط چهار مذهب  
فقهی باقی ماند ، و تعداد زیادی از مذاهب فقهی معتبر  
به دلایل مختلف از صفحات تاریخ معرفت اسلامی  
برداشته شد. مذاهب اسلامی که ادامه نیافت، در بسا  
موارد با مقارنه با مذاهب که ادامه دارند معتبر تر و  
غنی تر نیز بودند. در عدم ادامه و نشر و از بین رفتن  
مذاهب عوامل متعدد سیاسی و اجتماعی سهم و نقش  
مهم را داشتند.

حرکت فقهی یا نشاط علوم فقهی در دو قرن اول اسلامی  
فوق العاده بود و به دلیل فتوحات اسلامی و اقامت  
صحابه و تابعین به نقاط مختلف دولت اسلامی، علوم  
اسلامی در نقاط مختلف جهان انتشار یافت و مراکز  
مهم علمی در حجاز ، کوفه ، بصره ، خراسان ، شام ،  
مصر و مغرب تأسیس شد.

با انهدام مذاهب فقهی ، نظریات و آراء فقهاء باقی ماند  
و اکثر فقهاء و علماء به نظریات و آراء و اجتهادات  
علمای گذشته و مؤسسان مذاهب فقهی ارج گذاشتند و

**اول : مذهب امام الأوزاعی**

ابو زرعه دمشقی در تاریخ خود از الهقل بن زیاد دمشقی نقل میکند که الأوزاعی به هفتاد هزار مسأله جواب داده. و ابن عساکر از ابی زرعه الرازی خبر میدهد که الاوزاعی شست هزار مسأله را تدوین کرد که چهار هزار آن نزد الولید بیروتی موجود بود.

نشر مذهب الأوزاعی : در آغاز مذهب الأوزاعی در شام انتشار یافت و بعداً در اندلس قبل از اخیر قرن دوم هجری / هشتم میلادی چنانکه امام الذهبی در ( تاریخ الإسلام ) ذکر می کند انتشار یافت. اما مذهب امام مالک در اندلس توانست بالای مذهب الأوزاعی غلبه کند. مذهب الأوزاعی در دمشق، بیروت برای مدت طولانی حاکمیت داشت. عامل مهم در نشر مذهب مالکی در اندلس در بدل مذهب الأوزاعی را قاضی عیاض المالکی (ت 544 هجری / 1149 م) در کتاب (ترتیب المدارک) می گوید که هشام بن عبدالرحمن بن معاویه مردم را مکلف و مجبور به متابعت مذهب مالکی ساخت و قاضی ها و مفتی ها را از پیروان مذهب مالکی انتخاب نمود. ابن تیمیه می گوید که مذهب الأوزاعی تا نصف قرن چهارم / دهم میلادی در بلاد شام رواج داشت و آخرین فقهی این مذهب قاضی احمد بن سلیمان ابن حذلم (ت 347 هجری / 959 م) بود.

**دوم : مذهب امام الثوری**

امام سفیان بن سعید الثوری، محدث و فقیه کوفی و مؤسس مذهب بزرگ بود. امام سفیان بن عیینیه (ت 198 هجری / 814 م) در مورد امام الثوری می گوید: هیچیک از رجال علم را ندیدم که نسبت به حلال و حرام از سفیان الثوری عالمتر باشد. العجلی (ت 261 هجری / 875 م) در کتاب اش بنام (الثقات) می گوید که الثوری فقیه صاحب سنت و

صاحب مذهب الأوزاعی : عبدالرحمن بن عمرو الإوزاعی الهمدانی، متولد در دمشق و بزرگ شده در بیروت بود. راجع به مقام و منزلت علمی امام الأوزاعی به امام مالک بن انس (ت 179 هجری / 796 م) مراجعه می نمائیم، امام مالک فتواهای الأوزاعی را نسبت به فتواهای خود رجحت می داد. ابو زرعه دمشقی (ت 281 هجری / 894 م) می نویسد که امام مالک از فتوای خود به فتوای الأوزاعی رجعت می کرد، بیشتر از این، امام مالک الأوزاعی را نسبت به امام سفیان الثوری و ابو حنیفه (ت 158 هجری / 775 م) بالاتر می دانست و میگفت که الأوزاعی نسبت به آنها رجحت دارد.

ابن ابی حاتم (ت 327 هجری / 939 م) در (الجرح و التعديل) می نویسد که از امام الأوزاعی رساله های زیاد باقی ماند که برای مسلمانان و خلفاء نوشته بود و همیشه حق را در مقابل والی ها و حکام اظهار میداشت. و بجواب بنی هاشم در مورد وصیت رسول الله به خلافت برای هاشمی ها گفت: اگر خلافت از رسول الله صلی الله علیه وسلم به وصیت میبود، علی رضی الله عنه به حکمیت راضی نمی شد (40 هجری / 661 م).

ابن عساکر (ت 571 هجری / 1176 م) در تاریخ دمشق می نویسد که امام الأوزاعی در سال 113 هجری / 723 به عمر 25 سالگی آغاز به دادن فتوا نمود و در یک کتاب علم خود را تدوین کرد. امام الذهبی (ت 748 هجری / 1347 م) در (سیر أعلام النبلاء) تراث فقهی الاوزاعی را می آورد و می نویسد که در مسائل بسیاری در فتوا مستقل بود و نظریات و فتواهای او در کتب بزرگان موجود است. الاوزاعی مذهب مستقل داشت و فقهاء شام و اندلس مدت از زمان آن متابعت میکردند.

**سوم : مذهب الیث بن سعد القلقشندی****المصری (ت 175 هجری / 792 م)**

امام الیث ، امام بزرگ و احادیث زیاد را حفظ داشت و در جامعه مقام علمی عالی را داشت . الشافعی (ت 204 هجری / 820 م) در مورد الیث میگوید : الیث از مالک بن انس فقهی تر بود لیکن شاگردانش فقه او را حفظ نکردند.

الیث کتب زیاد داشت اما اکثر آن باقی نماند ، یک کتاب کوچک ضمن (الفوائد ) از ابن منده (ت 475 هجری / 1082 م) باقی مانده و همچنان کتاب دیگر بنام ( مجلس من فوائد الیث بن سعد ) . از جمله شاگردان الیث پسرش شعیب (ت 199 هجری / 815 م) بود ، او را ابن یونس الصدفی (ت 347 هجری / 959 م) در تاریخ خود می نویسد که محدث و فقیه و مفتی بود و همچنان نواسه اش عبدالملک بن شعیب فقیه و محدث بزرگ بود.

**چهارم : مذهب ابی ثور: ابراهیم بن خالد****الکلبی (ت 240 هجری / 855 م)**

در مورد امام ثور الخطیب البغدادی می گوید: یکی از اشخاص با ثقه و امام در بین اعلام در دین بود ، ابراهیم کتابهای زیاد تألیف نموده که در احکام و جمع نموده بین حدیث و فقه بود . امام احمد بن حنبل (ت 241 هجری / 856 م) می گوید : اقوال او بسیار است و جوابات او در مسائل فقهی که از او پرسیده شده بود موجود میباشد ، فقهاء از ابا ثور سؤال میکردند .

ابو ثور در اول متابعت مذهب حنفی را میکرد و بعد از اینکه با الشافعی ملاقات کرد از او یعنی شافعی گرفت ، الخطیب البغدادی می گوید : اول فقه را به

پیروان بود و یکی از جمله اشخاص بود که کلام شدید را در حضور سلطان می گفت.

خلیفه عباسی المنصور (ت 158 هجری / 775 م) اراده کرد تا الثوری را بحیث قاضی تعیین کند ، اما الثوری نپذیرفت و از کوفه در اواخر سال 155 هجری / 772 میلادی فرار کرد و بین عراق و حجاز پنهان ماند تا اینکه در سال 161 هجری / 778 م در بصره وفات کرد. اندیم (ت 384 هجری / 1047 م) در (الفهرست) تعداد از کتب الثوری را نام میگیرد و امام الذهبی در (السیر) می نویسد که الثوری وصیت کرده بود که کتابهای او را بعد از مرگش به آتش زنند.

مذهب الثوری در کوفه نشأت و به بغداد رسید . ابن کثیر (774 هجری / 1372 م) در (الباعث الحثیث) می نویسد که مذهب سفیان الثوری چند قرن ضمن مذاهب پنجگانه قبول و باقی ماند و در اوائل قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی مذهب او از بغداد برچیده شد . ابن الجوزی (ت 597 هجری / 1200 م) می گوید که عبدالغفار بن عبدالرحمن الدینوری (ت 405 هجری / 1015 م) آخرین شخصیت بود که به مذاهب سفیان الثوری در بغداد فتوا داد .

از شاگردان الثوری النعمان بن عبدالسلام البکری (ت 183 هجری / 800 م) مذهب الثوری را در اصفهان و شیراز و جرجان که امروز در ایران موقعیت دارد نشر کرد. مذهب الثوری در بعض نقاط دولت اسلامی در چند قرن رایج بود و شمس الدین الغزی (ت 1167 هجری / 1754 م) در (دیوان الإسلام) می گوید که مذهب الثوری نزدیک به پنج قرن ادامه داشت . به دلیل مشکلات بین شاگردان مذهب الثوری و مخالفت های حکومت ها آهسته آهسته مذهب به فراموشی سپرده شد

الحافظ ابن عبدالبر ( ت 463 هجری / 1072 م ) چنانکه الذهبی ذکر میکنند در اول مرحله حیاتش با اینکه امام مذهب مالکی بود از مذهب الظاهری پیروی میکرد و بسیار اوقات نظریات فقهی الظاهری را نسبت به آراء و نظریات شافعی ترجیح می داد .

خاتمه امامان مذهب الظاهری در اندلس شخص امام ابن حزم بود. الذهبی در مورد او میگوید که او رأس علوم اسلامی بود و از او کتب زیادی در فقه و اصول و فرق مثل : المحلی بالأثار ، و الإحكام لأصول الأحكام ، و الفصل فی الملل و النحل باقی مانده است .

### ششم: مذهب محمد بن جریر الطبری

محمد بن جریر الطبری آخرین عقل در بین عقول فقهی بود که بحیث مذهب مستقل ظهور کرد و نظریات فقهی را در کتاب که تکمیل نشد بنام ( تهذیب الأثار ) تدوین کرد .

بغداد بعد از مشکلات خلق قرآن کریم ( 218 - 232 هجری / 833 - 847 م ) همان بغداد قدیم نبود ، دشمنی و خصومت بین ابن جریر و ظاهری مشکلات جدید دیگر را بعد از مشکل خلق قرآن بوجود آورد . ابوبکر محمد بن داود الظاهری با ابن جریر به مشکل مواجه شد و ابن جریر را متهم به تأویل بعض صفات خداوند کردند و فتوای ابن جریر ( مسح بالای هر دو پا ) سبب شد که او را متهم به تشیع کنند .

بعد از متوجه ساختن ابن جریر به این اتهامات ، حنبلی ها مردم را از شنیدن سخنان امام ابن جریر منع کردند . الخطیب البغدادی می گوید که از طبری

مذهب الرأی گرفت و به قول أهل العراق ( حنفی ) و زمانیکه شافعی به بغداد آمد از أهل رای به حدیث رجوع کرد ، و بعداً ابو ثور برای خود مذهب مستقل با استفاده از مذاهب شافعی یعنی مذهب قدیم شافعی در عراق و مذهب جدید شافعی در مصر ساخت .

ابو ثور نظریات و آراء ابو حنیفه و امام شافعی را جمع و از جمع بین مدرسه عراق و حجاز به مذهب جدید رسید . امام الذهبی در ( السیر ) می نویسد که پیروان مذهب ابی ثور بعد از سه صد سال از بین رفتند و مذهب ابو ثور در عراق و اذربایجان و ارمنیا انتشار یافت .

### پنجم: مذهب ظاهری

مؤسس این مذهب امام داود بن علی الأصفهانی ( ت 270 هجری / 884 م ) بود . مذهب ظاهری به بظاهر نصوص اکتفاء و قیاس را در مسائل احکام شرعی نمی پذیرفت . امام داود قیاس را در استخراج احکام شرعی نفی کرد .

الخطیب البغدادی می گوید با اینکه این مذهب از ناحیه فکری استقلال کامل داشت اما رابطه قوی با باقی مذاهب و روش فقهی بصورت اجمالی داشت و از معرفت مذاهب استفاده کرد .

الذهبی در السیر در مورد امام داود الأصفهانی می گوید که امام داود بحرو از اعلام وقت خود بود . او علم را از اسحاق بن راهویه و ابی ثور آموخت و در مجلس داود الظاهری 400 شاگرد حضور میداشت .

از امام داود کتب زیاد در ابواب فقه باقی ماند . مذهب الظاهری در غرب عالم اسلامی خصوصاً اندلس به اوجه خود رسید .

علمی برای درجه ماستری و دکتورا در پوهنتونها می باشد.

## مذاهب باطل

### السبئية :

السبئية از پیروان « عبدالله بن سبأ » ، که در اصل یهودی و از باشندگان « الحيرة » بود اند ، او ظاهراً مسلمان شد. عبدالله بن سبأ از بزرگترین دعوتگران علیه حضرت عثمان و والیان او به حساب می آمد.

عبدالله برای نشر افکار و فلسفه ای خود در بین مسلمانان به هدف فاسد کردن عقائد ، حضرت علی را وسیله ساخت و در بین مردم تبلیغ نمود که در تورات آمده : برای هر نبی وصی است ، و علی وصی محمد میباشد ، و علی بهترین اوصیاء بشمار می آید مثلیکه محمد بهترین انبیاء است . عبدالله باین عقیده بود که حضرت محمد چنانکه حضرت عیسی برگشت به دنیا بر میگردد و مردم را محاسبه میکنند. عبدالله عقیده الوهیت حضرت علی را حق می دانست و برای این منظور مردم را دعوت میکرد .

حضرت علی کرم الله وجهه اراده نمود تا عبدالله بن سبأ را به قتل رساند ، اما عبدالله بن عباس نظر به شرایط جنگ مانع قتل او به دلیل اینکه فتنه بیشتر نشود شد .

بعد از شهادت حضرت علی ، عبدالله بن سبأ محبت مردم را نسبت به علی بهترین وسیله برای نشر اکاذیب و تخریب دین الله استفاده کرد . او در بین مردم عقیده ای که علی کشته نشده مثلیکه حضرت

عالم تر در زمین ندیدیم و حنبلی ها در حق او ظلم کردند.

میتوان دلایل ذیل را در عدم ادامه و پیشرفت مذاهب در جامعه اسلامی را نیز اضافه کرد:

(1) قلت یا کمبود بودن شاگردان ، عدم موجود بودن شاگردان سبب آن شد تا مذهب وسعت و انتشار نکند.  
(2) نقش حکام در نشر مذهب و از بین رفتن مذهب دیگر: سیاست نقش و رول مهم را در نشر مذهب و از بین برداشتن مذاهب دیگر داشت . مذهب حنفی در سایه دولت عباسی به اوج عظمت خود رسید. ترک های عثمانی اسلامی را به اساس مذهب حنفی قبول کردند و در خلافت عثمانی مذهب رسمی در دولت مذهب حنفی بود .

(3) نقش طریقه های تصوفی در نشر مذهب: اکثر طریقه های تصوفی از مذهب حنفی پیروی می کردند مانند طریقه نقشبندیه مجددیه .

(4) اختلافات بین پیروان مذاهب : بروز اختلاف بین پیروان مذاهب عامل مهم دیگر در عدم ادامه ای مذاهب بود .

نتیجه: با اینکه اکثر مذاهب اسلامی رسماً از ساحه خارج شدند و مسلمانان سنی مذهب به چهار مذهب اکتفاء کردند ، اما نظریات فقهی و علمی امامان مذاهب تا هنوز باقی مانده و علماء و فقهاء به نظریات فقهی امامان ارج و در فتوا های شان از آن استفاده می کردند . وجود مذاهب متعدد سرمایه و ثروت علمی بزرگ در جامعه اسلامی بود . موجودیت مذاهب متعدد و در بسا موارد متفاوت ، آسانی را در روش عبادات بوجود آورد و نظریات متفاوت سرمایه بزرگ علمی در تدوین قوانین شد .

تاریخ مذاهب اسلامی ، با امانت مذاهب اسلامی را حفظ کرده و این ساحه بهترین ساحات برای تحقیقات

السبئیة /

نویسنده گان شیعه پیروان سبئیة و الغرابیة را در جمله را پیروان مذهب غلو می دانند .

### الکیسانیة

الکیسانیة پیروان «المختار بن عبید الثقفی» بودند و آنها خود را پیروان مذهب شیعه معرفی می کردند . این فرقه بنام الکیسانیة نسبت به کیسان شهرت دارد یعنی از کیسان بودند . گفته میشود که المختار مولی یعنی غلام آزاد شده حضرت علی و شاگرد پسرش «محمد بن حنیفة» بود .

المختار به کوفه در زمانیکه مسلم بن عقیل از طرف امام الحسین بن علی رضی الله عنهما به کوفه رسیده بود آمد . وظیفه مسلم بن عقیل بررسی تأیید مردم از الحسین بود . عبیدالله بن زیاد امیر کوفه از آمدن المختار اطلاع یافت و او را تعذیب و زندانی ساخت . المختار تا شهادت امام الحسین در زندان باقی ماند و بعداً نظر به درخواست شوهر خواهر ابن زیاد بشرطیکه در کوفه نماند آزاد شد و المختار بعد از آزادی به حجاز رفت .

بعد از شهادت حضرت امام الحسین شعار انتقام از خون او را بلند کرد و از نام محمد بن الحنفیه در این مورد استفاده نمود . المختار ادعی کرد که محمد بن الحنفیه مهدی و وصی حضرت الحسین است . اما امام محمد بن الحنفیه ارتباط خود را با المختار نفی کرد .

عقیده الکیسانیة اساس آن اولوہیت امامان از اهل بیت بود و در عقائد شان امام شخص مقدس و واجب اطاعت است و عصمت و عدم گناه و خطأ در امام اصل عقیده الکیسانیة است .

عیسی کشته نشده بود نشر نمود و میگفت که علی به آسمان بلند شده و کسیکه را بقتل رسانیدند بغیر از علی بود مثلیکه دشمنان حضرت عیسی شخصی دیگر را که شباهت به او داشت به دار آویختند و گفتند که عیسی را کشتیم . در عقیده سبئی ها ، رعد صوت علی و برق تبسم علی است و سبئیین که صدای رعد و برق را می شنیدند می گفتند : السلام علیک یا امیر المؤمنین . گروه از سبئیین ها باین عقیده بودند که خداوند در جسم علی حلول کرده و به همین ترتیب در جسم امامان بعد از او ، و روح الله به ترتیب به امامان یکی بعد از دیگری حلول میکند و این عقیده اصلاً از عقائد فرعون ها بود .

### الغرابیة:

الغرابیة فرقه غلو و افراط گران بود ، این گروه به این عقیده بودند که علی از محمد صلی الله علیه و سلم با فضیلت تر بود و رسالت اصلاً برای علی فرستاده شده بود اما جبرائیل علیه السلام نظر به شباهت که بین علی و محمد بود اشتباه کرد و وحی را به محمد رسانید .

علماء عقائد الغرابیة را بررسی و نقد کردند ، ابن حزم در کتاب خود بنام «الفصل» می نویسد که این کلام جهل به تاریخ و واقعیت است ، علی در وقت بعثت سیدنا محمد طفل بود ، و در سن و سالی نبود که تحمل رسالت را داشته باشد ، و از جانب دیگر شباهت در شکل و جسم بین سیدنا علی و حضرت محمد صلی الله علیه و سلم نبود .

فرقه سبئیة و الغرابیة نسبت خود را به مذهب شیعه می دهند ، اما شیعه ایشانرا از اهل قبله نمی دانند و اکثر

الکیسانیه

شهادتین است و خداوند سبحانه می فرماید: (حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی و قوموا لله قانتین \* البقره: 238). مواظبت نمائید بر همه نمازها و (مخصوصا) نماز وسطی (نماز عصر و یا بهترین نماز) و بحضور خداوند (در نماز) با ذکر و خشوع ایستاده شوید.

و همچنان خداوند سبحانه می فرماید: (و اقیموا الصلاة و اتوا الزکاة و ارکعوا مع الرکعین \* البقره: 43). و برپا دارید نماز را و ادا کنید زکات را، و نماز گزارید با نماز گزاران.

**سؤال:** در اثناء نماز شک داشتم که سوره فاتحه را نخوانده ام آیا سجده سهو کنم؟ و در سجده سهو کدام دعا را بخوانم؟

**جواب** (ابن باز، الفتاوی) اگر در نماز منفردانه و یا امام در نماز جماعت در خواندن سوره فاتحه شک کرد قبل از رکوع آنرا بخواند و درین صورت سجده سهو نیست و اما اگر بعد از ختم نماز شک در خواندن سوره فاتحه نمود توجه نکند نمازش صحیح است.

### حکم خارج شدن بول بصورت غیر طبیعی آن

شیخ عبدالحمید کشک جواب میدهد:

**سؤال:** شخصی که از وی بدون اراده اش بول همیشه خارج میشود، خصوصا در زمستان، آیا در این حالت وضوء باطل میشود؟ آیا در وقت هر نماز لباس خود را بشوید؟

**جواب:** خارج شدن بول اگر چه یک قطره نیز باشد وضوء را ناقص میسازد چنانچه ابی هریره حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را در موضوع روایت میکنند که: خداوند نماز یکی از شما را قبول نمیکند اگر وضوء اش شکسته شده باشد تا وقتی که وضوء نکند.

مگر اگر بول بشکل مستمر خارج شود و انسان خارج شدن آنرا ممانعت کرده نتواند که این مریضی بنام)

الکیسانیه به عودت امام معتقد اند و بعد از علی، الحسن و الحسین، محمد بن الحنفیه برمیگردند و به موت محمد بن الحنفیه معتقد نیستند و عقیده دارند که زنده است.

الکیسانیه به تناسخ اوراق اعتقاد دارند و باین عقیده اند که روح از جسد انسان خارج و در انسان جسد دیگر حلول میکند.

عقیده برین دارند که خداوند آنچه می خواهد نظر به تغییر علم خود آنرا تغییر می دهد و به یک چیز امر میکند و بعداً به خلاف آن امر میکند و روح را که خداوند بخواهد عذاب دهد داخل حیوان میکند. نسبت به رسول الله صلی الله علیه و سلم چیزهای می گویند که منافی رسالت است.

در جهان اسلام پیروان این مذهب وجود ندارد و جزء از تاریخ است.

### جهت معلومات بیشتر به

تاریخ المذاهب اسلامیة، محمد ابو زهره مراجعه شود

### سؤال: اگر در دلم شک آید که آیا نماز را خوانده ام یا نه، چه باید کنم؟

جواب (ابن باز، الفتاوی) اگر در نمازهای فرضی انسان شک نمود که اداء نموده یا خیر، واجب است که به اداء آن قیام نماید چنانکه رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (من نام عن الصلاة أو نسیها فليصلها إذا ذکرها لا كفارة لها إلا ذلك). اگر کسی در وقت نماز خواب باشد و یا فراموش نموده باشد نماز را وقتی که بیاد آورد نماز بخواند و کفاره ندارد.

بالای مسلمان واجب است که در اداء نماز توجه خاص داشته باشد و نماز را در وقت آن و در جماعت اداء کند زیرا نماز ستون اسلام و یکی از مهمترین فرائض بعد از

با آغاز سال جدید 2023 فقه اسلامی سی سال از عمر نشرات خود را تکمیل و داخل سال سی و یکم گردید. سال جدید و تکمیل سی سال نشرات فقه اسلامی را برای هموطنان مؤمن تبریک می گوئیم، اگر کمک های معنوی و مادی شما نمی بود ممکن نبود فقه اسلامی ادامه می یافت .

مهربانی کرده کمک های خود را به آدرس فقه ارسال داشته ممنون سازید

### صفحه ای از تاریخ معاصر افغانستان

1900 — 1930

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحه برای مطالعه شما آماده است . شما میتوانید کتاب را از آدرس فقه اسلامی بدست آورید. قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد. نظر به قیمت گزاف پستی از فرستادن کتاب به اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواهیم.\*

قابل توجه خواهران و برادران گرامی

مطالعه اسلامی در باب :

هنر و موسیقی

( جواز و عدم جواز )

اثر اینجانب، به طبع میرسد. خواهران و برادران که میخواهند در طبع کتاب کمک کنند، صدقه ای خود را به آدرس فقه اسلامی ارسال دارند. و یک جلد کتاب را بدست آورند.

**Fazl Ghni Mogaddedi**

201 Washington Blvd # 104

Fremont , ca 94539

U.S.A

Tel ( 510 )979-9489

WhatsApp (510)673-5264

[fazlghanimogaddedi@yahoo.com](mailto:fazlghanimogaddedi@yahoo.com)

Islaminfo.one

aamo-usa.com

سلس بول ) یاد میشود و یک حالت استثنائی و عذر بوده که بقدر ضرورت و رفع مشکلات اجازه خاص را برای خود دارد زیرا الضرورات تبیح المحظورات و المشقه تجلب التیسر ضرورت محظورات را مباح میسازد و مشقت یا زحمت جلب میکند آسانی را .

حکم کسیکه به این مرض ( آمدن استمرار ادرار ) و خارج شدن بوی و جریان خون بطور دائمی ( مثل استمرار آمدن خون بعد از وقت مریضی زنانه و استمرار خون بعد از مدت ولادت ) نسبت به حالت عادی فرق میکند زیرا حالت غیر عادی است.

در مذهب حنفی آمده که در حالات فوق الذکر در وقت هر نماز فرض وضوء شود و به همان وضوء هر قدر نماز نفل و فرض بخواند صحیح است و اگر قرضی ( قضایی ) فرائض را بخواند نیز صحیح می باشد و وضوء بعد از ختم نماز باطل میگردد و این حکم را امام ابو حنیفه و امام محمد کرده اند و در نزد این دو امام شخص باید در وقت نماز ( فرض ) بعدی تجدید وضوء کند.

اما لباس که بواسطه خارج شدن بول نجس میشود میگویند که شسته نمیشود زیرا قلیل یا اندک نجاست اگر بقدر کف دست باشد عفو میشود و به همین ترتیب زیادتر از آن نظر به ضرورت عفو دارد زیرا عذر که سلس بول است وضوء را نقض نمیکند پس بدین معنی نجاست حکمی نیست و همچنان میگویند که اگر از مقدار و اندازه عفو زیادتر باشد شسته شود اگر هر لحظه بول خارج نشود در غیر آن شستن لباس لازم نیست و این حکم را مشایخ مذهب حنفی اختیار نموده اند و در (البدائع ) تصحیح کرده اند.